

إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا ...

معبود من بر نفس خویش ستم کردم در اینکه برای تکاملش، امروز و فردانمودم، پس وای به حالش اگر او را نیامرزی ...

• گناه، ظلم به خویش است

چنانچه از آیات و اخبار استفاده می شود، گناه و خطا، قبل از آنکه، آسیبی به دیگران رساند، دامن گیر خود شخص خواهد شد. و در واقع، آدمی با انجام معاصی، به خود ستم کرده است و بنیان سعادت خود را متزلزل ساخته است.

چنانچه قرآن کریم می فرماید:

"قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ: آن دو گفتند: پروردگارا! «به واسطه ارتکاب گناه، به خویشتن ستم کردیم، و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی، البته از زیان کاران خواهیم بود". (اعراف: ۲۳)

در فتاد اندر چهی کو کنده بود زانکه ظلمی بر سرش آینده بود

اینکه تو از ظلم چاهی میگنی از برای خویش دامی می تنی

مولانا

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«مَنْ أَهْمَلَ الْعَمَلَ بِطَاعَةِ اللَّهِ ظَلَمَ نَفْسَهُ؛ هرکه طاعت خدا را فروگذارد، به خود ستم کرده است.» (۵۷)

همچنین در حکایتی آمده است:

درویشی در راه می رفت و می گفت: هر چه کنی به خود کنی گر همه نیک و بد کنی

پیرزنی این گفته را شنید و گفت: من به این درویش ثابت می کنم که این حرف، درست نیست. پیرزن، نانی پخت و در آن زهر ریخت. هنگامی که درویش به خانه آمد، نان را به او داد. درویش نان را گرفت و روانه شد. نزدیک خانه پیرزن، پسری به درویش رسید و گفت: من از راه دور آمده ام، گرسنه ام. درویش، نان را به پسر داد. پسر تا لقمه ای از نان را خورد، فریاد زد: سوختم.

مردم از خانه ها بیرون ریختند و پیرزن هم بر اثر سر و صدای آنها، داخل جماعت شد و دید، کسی که نان را خورده، پسر اوست که پس از مدت ها از سفر آمده بود. پیرزن با مشاهده این صحنه، بی اختیار با خویش گفت:

هر چه کنی به خود کنی گر همه نیک و بد کنی (۵۹)

• از دست دادن فرصت: ظلم به خویشتن

از این فراز دعا معلوم می شود که ضایع نمودن فرصت ها نیز، نوعی ستم در حق خویشتن است. در توضیح باید گفت:

آنها که به جایی رسیده اند و به آرزوهایشان دست یافتند، از سلسله قوانینی پیروی کردند که در راه ماندگان و ناکامان در آرزوها، آن قوانین را زیر پا گذاشتند. از جمله آن قوانین، در یافتن فرصت ها و استفاده کامل از آنها می باشد.

در قاموس انسان های بزرگ و موفق، چیزی به نام «هنوز فرصت هست»، و واژه نامأنوسی به نام «امروز و فردا کردن» وجود ندارد.

سهل انگاری و ضایع نمودن فرصت ها یکی پس از دیگری تا آنجا می تواند خطرناک باشد که در نهایت، آدمی را از ره یابی به بهشت ابدی محروم سازد.

حوزه نت

همان از دست دادن فرصت ها که مساوی با «تسویف و خودفریبی» است و این صفت رذیله، ریشه در «طول امل»: آروزهای طولانی دارد؛ و نهایتاً از حبّ دنیا متغذی می گردد.

شرح مناجات شعبانیه ص: ۱۱۷

ملاّمهدی نراقی در کتاب جامع السّعادات چنین می گوید: «قَدْ وَرَدَ أَنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ صِيَاخُهُمْ مِنْ سَوْفَ، يَقُولُونَ وَاحْزَنَاهُ مِنْ سَوْفَ؛ روایت شده است که ناله بیشتر اهل جهنم از فردا گفتن و به تأخیر انداختن فرصت ها است و صدای و احزنه از آنها به خاطر این سهل انگاری ها بلند است». (۶۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باب غنیمت شماردن فرصت می فرماید:

«مَنْ فُتِحَ لَهُ بَابُ خَيْرٍ فَلْيَنْتَهِزْهُ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَتَى يُغْلَقُ عَنْهُ؛ کسی که در نیکی و خیری بر او گشوده شود، باید آن را غنیمت شمارد، زیرا نمی داند که چه وقت بر روی او بسته خواهد شد». (۶۳)

امام علی علیه السلام فرمود:

ماضِي يَوْمِكَ فَائِتٌ وَ آتِيهِ مُتَّهِمٌ، وَ وَقْتُكَ مُغْتَنَمٌ فَبَادِرْ فِيهِ فُرْصَةً الْإِمْكَانِ! وَإِيَّاكَ أَنْ تَتَّقِيَ بِالزَّمَانِ: دیروزت از دست رفته، و فردایت مشکوک است، و امروزت غنیمت. پس امروزت را دریاب و در بهره برداری از فرصت ممکن شتاب کن، و از اطمینان کردن به روزگار بپرهیز. (۶۴)

سعدیا! دی رفت و فردا همچنان موجود نیست در میانِ این و آن فرصت شمار امروز را

سعدی

• وای بر نفسِ مان اگر خداوند او را نبخشد

امام علیه السلام در فراز مذکور از دعا به طور ضمنی غفران الهی را، موجب جبران گناهان و ستم بر خویشان می داند؛ و این خود، بشارتی بزرگ است که آدمی تا خدایی دارد در سایه رحمت و کرم او می تواند، تمام شکستگی های حاصل از معاصی را جبران و ترمیم نماید.

چنانچه در مناجات یازدهم از مناجات های خَمْسَةَ عَشَرَ می خوانیم:

"إِلَهِی كَسْرَى لَا یَجْبُرُهُ إِلَّا لَطْفُكَ وَ حَنَانُكَ وَ فَقْرَى لَا یُغْنِیهِ إِلَّا عَطْفُكَ وَ إِحْسَانُكَ وَ رَوْعَتِی لَا یُمْكِنُهَا إِلَّا أَمَانُكَ وَ ذِلَّتِی لَا یُعِزُّهَا إِلَّا سُلْطَانُكَ: معبود من! شکستگی مرا چیزی جز لطف و عطایت تدارک نمی کند و فقر و بی نواییم را به جز عطف و احسانت، بدل به بی نیازی نمی کند و ترس و اضطرابم را جز امان تو ایمنی نمی بخشد و ذلت و خواریم را غیر از سلطنتت، بدل به عزت نمی کند."

دل از نظرِ تو جاودانی گردد غم با لطف تو شادمانی گردد

گر باد به دوزخ برد از کوی تو خاک آتش همه آب زندگانی گردد

ابوسعید ابوالخیر

ولی اگر در این ظلم بر نفس، نسیم غفران الهی بر چهره گنه کار نوزد، به تعبیرامام علیه السلام ،
«وای بر او»

حاصل سخن آنکه:

یا دولته اگر به عنایت کنی نظر
واخلتاه اگر به عقوبت دهد جزا

حوزه نت